



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه قم

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

موضوع:

استقلال قضات در نظام کیفری ایران

استاد راهنما:

مجه الاسلام و المسلمین دکتر عادل ساریفانی

استاد مشاور:

مجه الاسلام و المسلمین دکتر جلال الدین قیاسی

نگارش:

سید مجتبی دانش ۲۰ / ۷ / ۱۳۸۲

بهار: ۱۳۸۲

۴۶۴۰۲

تقدیم :

تقدیم به ارواح مطهر و ملکوتی دایمی بزرگواره

مجه الاسلام و المسلمین سید ابو تراب دانش

و پسر خاله عزیزه جناب آقای سید محمد دلدار

(و فرزندانشان سید سجاد دانش و سید عباس دلدار) که

مشوق اینجانب در تمصیل علم بودند .

قدر دانی :

وظیفه خود می دانم از اساتید معظم و مکرّم جناب
حجّه الاسلام و المسلمین دکتر عادل ساریخانی
(استاد راهنما) و حجّه الاسلام و المسلمین دکتر جلال
الدین قیاسی (استاد مشاور) و جناب آقای دکتر ابوالفتح
خالقی (استاد ناظر) که با راهنمایی های مفید و دلسوزانه
و دقت نظرهای لازم ، اینجانب را در تدوین پایان نامه یاری
داده اند ، صمیمانه قدر دانی و تشکر نمایم .

چکیده

قضات نگهبانان اصلی عدالت، امنیت و احیای حقوق مردم می باشند به این خاطر برای ایفای وظیفه خطیر و مهم خویش بایستی استقلال داشته باشند. در امور کیفری که قاضی با جان و مال و ناموس مردم سروکار دارد و مبادرت به انشای رأی مبنی بر اعمال مجازاتی همچون اعدام، حبس، جزای نقدی و ... می نماید، استقلال وی اهمیت مضاعفی پیدا می کند.

منظور از استقلال قضات در نظام کیفری این است که قضات مطابق قانون و وجدان و بنابر تشخیص قضایی خود و بدون نفوذ هرگونه مقامی حتی مقامات قضایی بالاتر از خود مبادرت به صدور حکم و اتخاذ قضایی نمایند.

جهت تأمین استقلال قاضی عوامل زیر لازم است که عبارتند از:

۱- عامل منع عزل قضات، بدین معنا که هیچ مقامی حتی مقام منصوب کننده قاضی مگر در موارد اثبات جرم یا تخلفی که مستوجب انفصال در دادگاه باشد، نمی تواند قاضی را عزل کند.

۲- انتقال محل خدمت و سمت قضات مانند سایر مأمورین حکومتی بر راحتی

نباشد.

۳- کسی نتواند رأی قاضی را رد یا نقض کند مگر مقامات ذیصلاح در موارد

قانونی

۴- دخالت قضات در سیاست مجاز نباشد.

۵- قضات مصونیت کیفری داشته باشند؛ یعنی، بدون اجازه از دادگاه انتظامی

قضات و سلب مصونیت کیفری از طرف این دادگاه، محاکمه و تعقیب نگردند.

در مورد استقلال قاضی کیفری و عوامل تأمین کننده آن در قانون اساسی و

قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران تحولاتی رخ داده است که ضروری است قوانین

تهدید کننده استقلال اصلاح گردند، تا اینکه قضات بتوانند بدون واهمه و با استقلال

کامل احکام مربوطه را صادر نمایند و فرشته عدالت رنجیده خاطر نگردد.

کلید واژه ها عبارتند از:

۱- قاضی، ۲- استقلال، ۳- نظام کیفری، ۴- هیأت منصفه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	فصل اول: کلیات: واژه شناسی و سابقه و مبانی استقلال قاضی کیفری
۴	مبحث اول: واژه شناسی
۴	گفتار اول: معنای لغوی
۴	الف: قضاء
۶	ب: استقلال
۷	گفتار دوم: معنای اصطلاحی
۷	الف: قضاء
۹	ب: قاضی
۱۲	ج: استقلال
۱۶	گفتار سوم: انواع قاضی
۱۶	الف: قاضی مجتهد
۱۶	۱- قاضی مجتهد مطلق
۱۶	۲- قاضی مجتهد متجزی
۱۸	ب: قاضی غیر مجتهد
۱۹	ج: قاضی تحکیم
۲۴	مبحث دوم: سابقه تاریخی
۲۴	گفتار اول: ایران قبل از اسلام
۲۷	گفتار دوم: ایران بعد از اسلام
۳۲	مبحث سوم: مبانی و اهداف استقلال قضایی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳۲	گفتار اول: تأمین عدالت.....
۳۶	گفتار دوم: اصلاح جامعه.....
۳۹	گفتار سوم: تأمین نظم عمومی.....
۴۱	فصل دوم: شیوه های قضاوت و عوامل تأمین کننده استقلال قضایی.....
۴۱	مبحث اول: شیوه های قضاوت و استقلال.....
۴۱	گفتار اول: وحدت قاضی و استقلال.....
۴۴	گفتار دوم: قضای شورایی و استقلال.....
۴۵	الف: دلایل مخالفین.....
۴۸	ب: دلایل موافقین.....
۵۱	گفتار سوم: نظارت دیوان عالی کشور و استقلال قضات.....
۵۱	الف: تجدیدنظر خواهی در فقه.....
۵۳	ب: تجدید نظر خواهی در قوانین موجود.....
۵۸	گفتار چهارم: استقلال قضائی و هیئت منصفه.....
۶۶	مبحث دوم: عوامل تأمین کننده استقلال قضایی.....
۶۶	گفتار اول: عامل عدم عزل قضات.....
۶۸	گفتار دوم: منع تغییر و انتقال قضات.....
۶۹	گفتار سوم: عدم دخالت قضات در سیاست.....
۷۰	گفتار چهارم: تمکن مالی قضات.....
۷۳	گفتار پنجم: مصونیت کیفری قضات.....
۸۰	گفتار ششم: عدم نفوذ و تأثیر پذیری قضات.....

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۸۳	گفتار هفتم: عدم نقض رأی قاضی.....
۸۴	فصل سوم: استقلال قضایی در حقوق کیفری و قانون اساسی ایران.....
۸۴	مبحث اول: قانون اساسی.....
۸۴	گفتار اول: متمم قانون اساسی مشروطیت.....
۸۷	گفتار دوم: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۹۴	مبحث دوم: قوانین عادی کیفری.....
۹۴	گفتار اول: قوانین جزایی.....
۹۴	الف: قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲.....
۹۵	ب: قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱.....
۱۰۰	ج: قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲.....
۱۰۳	د: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.....
۱۰۴	ه: قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.....
۱۰۷	گفتار دوم: قوانین آئین دادرسی کیفری.....
۱۰۷	الف: اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ شمسی.....
۱۱۳	ب: لایحه قانون تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۳۵۸/۶/۲.....
۱۰۴	ج: قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ مصوب ۱۳۶۸.....
۱۱۵	د: قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳.....
۱۱۸	ه: قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.....
۱۲۲	و: قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱.....
۱۲۷	مبحث سوم: عوامل تهدید کننده استقلال قاضی کیفری در قوانین کنونی.....
۱۳۳	نتیجه گیری و پیشنهادات.....
۱۳۸	منابع و مأخذ.....

فصل اول:

کلیات: واژه شناسی و سابقه تاریخی

و مبانی استقلال قاضی کیفری

الف: تعریف و بیان موضوع

وجود روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی میان بشر باعث بروز اختلافات و تنازعاتی می گردد که آنها را مجبور به حل و فصل خصومت می کند. در اجتماعات اولیه بشری به دلیل فقدان ساختار و تشکیلات منسجم قضائی، افراد جهت رفع اختلافات خود به اشخاصی که از نقطه نظر اجتماعی موقعیت بالاتری نسبت به دیگران داشتند رجوع و فصل خصومت می نمودند.

پیغمبران و بزرگان و اندیشمندان هر قوم به عنوان قضات قابل اعتماد بشر بودند و دلیل این امر اعتقاد بشر به استقلال اندیشه و رأی و قضاوت بی طرفانه این بزرگواران بوده است؛ از این روست که استقلال قاضی از اعتقادات قلبی بشر بوده است و در تمام تمدنهای بشری جایگاه ویژه ای در اذهان بشری داشته است.

لازمه قضاوت، استقلال قاضی در تصمیم گیری قضایی است و استقلال قضایی، امنیت قضایی را تأمین می کند و نهایتاً امنیت قضایی، امنیت بشری را تأمین و تضمین می کند. در نظام کیفری که قاضی با جان و مال و حیثیت و شرف و ناموس افراد سر و کبار دارد و مبادرت به اعمال کیفر می کند مخصوصاً در حال حاضر که جرایم سازمان یافته و قتل و کشتارهای پیچیده شیوع پیدا کرده است، استقلال قاضی اهمیت بیشتری پیدا می کند. بدیهی است که این قاضی بایستی از لحاظ مالی، جانی، سیاسی و تمام جوانب زندگی تأمین باشد تا بتواند با خیال راحت مبادرت به انشاء رأی و مجازات مجرمین کند. بنابراین می توان گفت مراد از استقلال قاضی در نظام کیفری این است که قاضی مطابق قانون، وجدان و بنابر تشخیص قضایی خود و بدون نفوذ هرگونه مقامی حتی مقامات قضایی بالاتر از خود حکم صادر و تصمیم قضایی اتخاذ نماید و مراد از قاضی کسی است که اصدار رأی در اختیار او می باشد.

ب: سئوالات اصلی و فرعی تحقیق:

۱- سؤال اصلی

۱-۱: آیا استقلال قضائی قضات کیفری در حقوق کیفری ایران (اسلام) به رسمیت شناخته شده است و محدوده آن کدام است؟

۲- سئوالات فرعی

۱-۲: مبانی استقلال قضائی چیست؟

۲-۲: عوامل تأمین کننده استقلال قضائی چیست؟

۳-۲: عوامل تهدید کننده استقلال قضائی کدام است؟

ج: فرضیه

استقلال قضائی در حقوق کیفری ایران (اسلام) در محدوده رعایت قوانین و وجدان پاک کلیه قضات اعم از قاضی مجتهد و غیر آن پذیرفته شده است.

در این نظام مبانی استقلال قضائی عبارتند از تأمین نظم عمومی و عدالت و اصلاح جامعه.

جهت تأمین استقلال قضائی به نظر می رسد که قضات بایستی از لحاظ شغلی، اداری، مسالی و سیاسی استقلال داشته و تحت نفوذ شخص و ارگانی نباشند تا بتوانند بدون واهمه از هر کسی رأی صادر و تصمیم قضائی اتخاذ کنند.

یکی از مواردی که استقلال قاضی را در نظام کیفری تهدید می کند، این است که شغل قضائی با مصونیت و تعرض ناپذیری توأم نباشد بدیهی است در این صورت جسارت و شجاعت قاضی در احقاق حق و درگیری با اعمال نفوذ افراد صاحب نفوذ سست گردیده و اجرای عدالت محقق نمی گردد در این خصوص برخی قوانین وجود دارند که استقلال قاضی را تهدید می کند که به مناسبت در بحث مربوطه ذکر می گردد.

د: پیشینه

بررسی تاریخ قضائی اسلام (ایران بعد از اسلام) همواره بیانگر این واقعیت است که اصل استقلال و احترام قضات در کلیه اعصار محترم و مرعی بوده است و حتی در طوفانهای جته‌بازی و انقلابات سیاسی که خلفاء و وزرای مملکتی گرفتار زندان و شکنجه و اعدام بودند، استقلال و احترام

قضات همچنان محترم و محفوظ و دور از تعرض بوده به نحوی که بارها شهادت وزرا و حلفاء را رد کرده بودند.

در خصوص استقلال قضات در نظام کیفری ایران، کتاب و یا رساله خاصی که بتوان به طور مفید از آن بهره برد پیدا نشده است و فقط به طور پراکنده در مقاله ها و کتب فقهی و حقوقی مطالبی ذکر گردیده است.

۵: روش تحقیق

روش تحقیق در نگارش این پایان نامه تحلیلی - توصیفی بوده است که با استفاده از کتابخانه و منابع دیگر تحقیق انجام شده است.

هدف از نگارش این نوشتار، بررسی سیر تحول استقلال قضات در قوانین کیفری و قانون اساسی در ایران می باشد، بدین معنا که موارد مربوط به استقلال قضائی و نکات مثبت و منفی راجع به این اصل مهم قضائی بررسی می گردد و نهایتاً جهت تأمین استقلال قضایی در قوانین مذکوره پیشنهادات و راه حل هایی ارائه می گردد.

این پایان نامه شامل سه فصل می باشد که فصل اول در واژه شناسی و سابقه تاریخی و مبانی استقلال قضائی می باشد. در فصل دوم شیوه های قضاوت و عوامل تأمین کننده استقلال قضائی مورد بحث قرار می گیرد. در مبحث اول این فصل در خصوص وحدت و تعدد قاضی و ارتباط آن با استقلال قضایی، استقلال قاضی و هیأت منصفه و نظارت دیوان عالی کشور و استقلال قضات مطالبی ذکر خواهد شد. در مبحث دوم در خصوص عوامل تأمین کننده استقلال قضایی از جمله عامل عدم عزل و تغییر قضات، عدم دخالت قضات در سیاست، تمکن مالی و مصونیت کیفری قاضی و عدم نفوذ و تأثیرپذیری قاضی، مطالبی ذکر خواهد شد.

فصل سوم این پایان نامه مربوط به استقلال قضایی در حقوق کیفری و قانون اساسی و نکات مثبت و منفی آن (عوامل تهدید کننده و تأمین کننده استقلال قضایی در این قوانین) می باشد.

بدان امید که این نوشتار ناچیز مطمح نظر ارباب قلم و صاحب نظران حقوقی قرار گیرد و

نقش مفیدی در جهت تأمین استقلال قضات در نظام کیفری ایران داشته باشد.

مبحث اول: واژه شناسی

گفتار اول: معنای لغوی

الف - قضاء

قضاء کلمه ای عربی و مشتق از قضی، یقظی است و اسم فاعل آن قاضی است. «قضا» با مد و گاهی با قصر در اصل به معنای فیصله دادن به امر است قولی باشد یا فعلی، از خدا باشد یا از بشر.^۱

قضا اقتضاء نیز نامیده می شود به علت اینکه قاضی بواسطه فیصله دادن، امر را تمام می کند و قاضی به معنای حکم کننده است؛ یعنی، کسی که میان مردم حکومت کند و در مورد اختلاف و نزاع فصل خصومت نماید.

برای واژه قاضی معانی مختلفی ذکر گردیده مثلاً نظر دهخدا درباره این واژه چنین است (داور، حکیم و فقیهی که مرافعات را موافق قوانین کلی شرع فیصله می کند. در اصطلاح فقه، کسی است که میان مردم حکومت می کند و در مورد اختلاف و نزاع فصل خصومت کند...) ^۲ و در فرهنگ معین آمده: «قاضی: حکم کننده، حاکم شرع، داور»^۳

قضا در قرآن در معانی مختلفی استعمال شده است:

- اراده: ^۴ یکی از معانی قضا اراده می باشد که در قرآن کریم نیز به این معنا

آمده است مانند آیه شریفه «... واذا قضی امرنا نقول له کن فیکون»^۵

^۱ - این منظور لسان العرب، جلد ۱۵، نشر ادب حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳، ص ۱۸۶.

^۲ - علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، شرکت چاپ افست گلشن، ۱۳۳۰، تهران، جلد ۳۶، ص ۶۷.

^۳ - محمد معین، فرهنگ معین، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱، چاپ هشتم، جلد دوم، ص ۲۶۸۶.

^۴ - سیدعلی اکبر قریشی، قاموس قرآن، جلد ۶، دارالکتاب الاسلامیه، بازار سلطان، تهران، ۱۳۵۴، ص ۱۷.

^۵ - سوره بقره، آیه ۱۱۷.

- حکم و الزام:^۱ در آیه شریفه «وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه»^۲ قضی به معنای حکم و الزم آمده است و معنای آیه این است: پروردگار تو حکم کرده که جز او را نپرستید.
- اعلام و خبر دادن:^۳ در آیه شریفه «وقضينا الى بنى اسرائيل فى الكتاب لنفسدن فى الارض مرتين...»^۴ که معنای آیه چنین است به بنی اسرائیل در کتاب اعلام کردیم که حتماً دوبار در زمین افساد خواهد کرد.
- تمام کردن:^۵ در آیه «فلما قضى موسى الاجل و سار باهله(ع)»^۶ که معنای آیه چنین است: چون موسی مدت را تمام کرد و با اهلش به راه افتاد.
- فعل:^۷ در آیه «فاقض ما انت قاض»^۸ بکن هرچه می کنی
- خلق کردن:^۹ در آیه «ففضيهن سبع سموات فى يومين...»^{۱۰} یعنی آنها را بصورت هفت آسما دو روز آفرید.
- حکم کردن:^{۱۱} در آیه «والله يقضى بالحق»^{۱۲} یعنی، خداوند به حق حکم می کند.

۱ - سید علی اکبر قریشی، منبع پیشین، ص ۱۷.

۲ - سوره اسراء، آیه ۶۳.

۳ - سیدعلی اکبر قریشی، همان منبع، ص ۱۷.

۴ - سوره اسراء، آیه ۲۹.

۵ - سید علی اکبر قریشی، همان منبع، ص ۱۸.

۶ - سوره قصص، آیه ۲۹.

۷ - سیدعلی اکبر قریشی، همان منبع، ص ۱۸.

۸ - سوره طه، آیه ۷۲.

۹ - سیدعلی اکبر قریشی، همان منبع، ص ۱۸.

۱۰ - سوره فصلت، آیه ۱۲.

۱۱ - سید علی اکبر قریشی، همان منبع، ص ۱۷.

۱۲ - سوره غافر، آیه ۲.

گرچه در قرآن کریم معانی زیادی از قضاوت به کار برده شده است اما معنی اصلی و مشهور آن که در میان حقوقدانان اسلامی است همان حکم کردن میان مسلمین و دادرسی است. برای قضاوت در فرهنگنامه دهخدا چنین ذکر شده است: «قضات: در تداول فارسی زبانان بمعنی قضا... قضاوت ورزیدن: بشغل قضات مشغول بودن، قضاوت کردن»^۱. و در فرهنگ معین آمده است «قضاوت: داوری کردن بین دو یا چند تن، حکم کردن در مسئله ای، داوری، حکم»^۲.

ب- استقلال:

از لحاظ لغوی در کتب لغوی برای واژه استقلال معانی ذکر شده است. در فرهنگ فارسی عمید ذیل این واژه آمده است «آزادی داشتن، به آزادی کاری کردن، بدون مداخله کسی کار خود را اداره کردن»^۳. «برداشت و بلند کردن، ضابط امر خویش بودن، به خودی خود بکاربر ایستادن بی شرکت گیری...»^۴

«... ضابط امر خویش بودن، ... به خودی خود بکاری بر ایستادن...»^۵

۱ - علی اکبر دهخدا، منبع پیشین، ص ۶۸.

۲ - محمد معین، منبع پیشین، ص ۲۶۸۶.

۳ - حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ هیجدهم، ۱۳۶۲، ص ۱۱۹.

۴ - محمد معین، منبع پیشین، ج اول، ص ۲۵۷.

۵ - علی اکبر دهخدا، منبع پیشین، ج ۷، ص ۲۳۶.